

# انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

# ۸۷

۱۴ دی ۱۳۸۰

۴ ژانویه ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

اصغر کریمی

Tel: 0044-771-409-7928  
asqar\_karimi@yahoo.com

اسد گلچینی دبیر کمیته تشکیلات گل کشور  
Tel: 0044-794-041-6768  
asad.golchini@ukonline.co.uk

شهلا دانشفر دفتر مرکزی حزب  
Tel: 0044-795-051-7465  
Fax: 0044-870-135-1338  
markazi@ukonline.co.uk

رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان حزب  
Tel: 0046-739 855 837  
r\_hoseinzadeh@yahoo.com

بهرام مدرسی دبیر کمیته مرکزی  
سازمان جوانان کمونیست  
Tel: 0049-174-944-0201

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۵۲۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:  
0044 208 962 2707

## زنده باد همبستگی کارگری

پیام رحمان حسین زاده بمناسبت همبستگی با کارگران خباز سقز



کرد. امیدوارم ابتکار و تلاش شما برای کسب حمایت وسیعترین مراکز و بخشهای کارگری در سراسر ایران تا پیروزی قطعی آن در این مبارزه ادامه یابد. در عین حال اطمینان دارم وعده و وعیدها و وقت گرانیها و امروز به فردا کردنهای مقامات رژیم در مقابل مطالبات برحق شما و تلاش بیهوده برای حذف نمایندگان واقعی شما در جریان مبارزات و ماکراتی که در پیش دارید، به جایی نمیرسد و چون همیشه از جانب شما کارگران خباز سقز خنثی خواهد شد. در خاتمه بار دیگر تاکید میکنم، که حزب کمونیست کارگری در کنار شما و برای تقویت مبارزه شما در داخل و خارج ایران از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد. باز هم به امید پیروزی، موفق باشید  
رحمان حسین زاده  
دبیر کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۰ ماه ۱۳۸۰

و سراسری به وسط صحنه کشمکشها و تحولات جامعه ایران بکشاند. جهانیان را متوجه این غول خفته کند و سرنوشت نهایی تحولات جامعه ایران را رقم زند. اقدام جسورانه شما به عنوان رویدادی درخشان در تاریخ مبارزات کارگری ثبت میشود. این تجربه را باز هم باید به دست گرفت و تکرار کرد و گسترش داد. صمیمانه دستانتان را میفشارم.

### کارگران خباز سقز و حومه!

لغو مصوبه ضد کارگری استانداری و پیشروی تانکونیتان را در مبارزاتی که پیشرو دارید، تریک میگویم. اینبار هم اقدام مبارزاتی شما به حرکتی امیدبخش تبدیل شده است. کارگران در شهرهای کردستان آشنا باشد، به خوبی متوجه حق طلبی و مبارزات کارگران خباز و تشکل خبازان سقز و حومه و رهبران و فعالین آن در این دو دهه و بویژه در ۲-۳ سال اخیر هست. مبارزه ایندفعه شما گام بلند همبستگی و همسرنوشتی کارگری را در بعد سراسری به واقعیت عملی تبدیل

متحد و سراسری برای تحقق مطالبات محوری سیاسی و اقتصادی کارگران است. که دوره ایجاد صف بندی سراسری کارگری در دل تحولات سرنوشت ساز جامعه ایران است. شرایط مساعد به وجود آمده است. به میدان کشیدن جنبش کارگری در بعد سراسری و بویژه در رشتههای کلیدی کارگری مستقیما به عملکرد رهبران و فعالین پیشرو جنبش کارگری، تشکلهای رادیکال کارگری و حزب کمونیست کارگری گره خورده است. این پیام را باید دریافت و منطبق با آن پا پیش گاشت.

### به تشکلهای و رشتههای

### کارگری حمایت کننده

### از کارگران خباز سقز

رققا! شما با اعلام همبستگی و با اقدامات حمایتی خود از مطالبات و مبارزات کارگران خباز سقز و حومه نه تنها رسالت طبقاتی خود را ایجاب نمودید، بلکه در صف مقدم تجربه مهمی قرار گرفتید. تجربه ای که میتواند با ادامه و تکامل و گسترش خود، قدرت عظیم طبقه کارگر ایران را متحد

حمایت تانکونی کارگران ۱۶ مرکز و رشته کارگری از ۱۲ شهر ایران از مطالبات و مبارزات سندیکای کارگران خباز شهر سقز و حومه، تا هم اکنون حرکتی برجسته در جنبش کارگری ایران است. در این تجربه همسرنوشتی کارگری و طبقاتی به روشنی دارد چارچوبهای صنفی، شهری و منطقه ای را پشت سر میگذارد. صف بندی مبارزاتی کارگران افق و چشم انداز سراسری را پیشروی خود میگذارد. این واقعه نقطه عطف مهمی را در مبارزات کارگران ایران نوید میدهد. بیشک لغو مصوبه ضدکارگری رژیم و خواست افزایش دستمزد، انگیزه و فصل مشترک مهمی بین مبارزات کارگران خباز سقز و حمایت کارگران تشکلهای و رشتههای کارگری از مبارزه آنهاست. اما همبستگی ایجاد شده کنونی پیامی فراتر را با صدای رسا اعلام میدارد، مبنی بر اینکه: تناسب قوا به نفع مبارزه جویی کارگران به شدت عوض شده است، که دوران ابراز وجود

## مملکت کروی، نگرانی امیر عبدالله!



مصطفی صابر

کیهان از "خط قرمز" عبور کرد و دوم خردادی ها ضد حمله ای را علیه کیهان، قوه قضاییه و به این اعتبار کل جناح رقیب، سازمان دادند. اسم توسری چهاردهم آقا به مجلس ششم را "برلین ۲" گذاشتند، از سناریوی گسترده برای براندازی مجلس اسلامی سخن گفتند و کوشیدند "بازدارندگی فعال" به جا بیاورند. سر لپین کیهان، شریعتمداری، کلاه مخملی را روی ابروها کشید و خونسرد جواب داد: "اضطراب ممکن، تازه اول کار است!"

پسر آیت الله جزیری و "حق و حساب" های او به ۶۰ نماینده مجلس را بزرگترین تیتیر روزنامه اش کرد. (او ادعا کرد که دو سه ساعت بعد نسخه های روزنامه نایاب شد!) اما کیهان به کاهدان زد. چرا که جمهوری اسلامی جمهوری فساد و ارتشاء بخور و بچاپ است. هر لفت و لیس جدی را که دنبال کنید ته اش به بیت رهبر (ولی نعمت مستقیم کیهان)، شبکه های رفسنجانی، مقامات دولتی و سایر "بزرگان نظام" ختم میشود. (هفته پیش در گردهمایی مدرسین حوزه در قم، رفسنجانی با لحنی وحشت زده و نگران هشدار داد که نباید اجازه داد به بهانه مبارزه با فساد "آبروی روحانیت و بیوت علما" را ببرند! رسالت هم، روز بعد حمله کیهان، در سرمقاله اش ضرورت مبارزه با فساد از طریق سران سه قوه، و نه فقط قوه قضاییه را مورد تاکید قرار داد!)

میاموزد، دست در این توره ارتجاع برد و ماده ۹۸۲ قانون مدنی جمهوری اسلامی را علیه رئیس قوه قضاییه بیرون کشید و برای "تحقیق و تفحص" در باره تابعیت مقامات مختلف امضاء جمع کرد. مطابق این ماده اگر کسی حتی تابعیت ایرانی را هم "تحصیل کند" ولی "ایرانی الاصل" نباشد، نمی تواند رئیس جمهور یا معاون وی باشد، و از حق اشغال مجموعه وسیعی از مقامات قضایی، امنیتی، دیپلماتیک، نمایندگی مجلس و اداری محروم خواهد بود. خیلی زود لحن و بیان قوه قضاییه و سایر مقامات جناح راست عوض شد و از اینکه "اختلاف مجلس و قوه قضاییه سطحی است" سخن گفتند. یک ذره مانده بود که "وفاق"، لاقال در بین عقلا، حاصل شود که یکبار روزنامه کیهان بقلوب بهزاد نبوی "موش" دیگری ول کرد. کیهان بخور و بچاپهای

جنگ جناح ها مغلوبه میشود. مثل صحنه های دعوا در فیلمهای کارتون گاه دست و پا و کله ای از میان توده چرخان غبار بیرون میزند، مکرر صدای خرد شدن و ضربات متعدد بگوش میرسد، اما دقیقا معلوم نیست کی میزند و کی میخورد، کی قرار است از آن پیروز بیرون بیاید. آنچه که مسلم است هر دو طرف را وحشت مرگ و فروپاشی فرا گرفته و در تلاش دیوانه وار برای بقا، بسوی استفاده از تمام وسائل "حل و فصل" دعوا سیر میکنند.

قوه قضاییه کوشید با فرستادن چند نماینده به زندان گوش مجلس را بیچاند. خاضعانه ای در پاسخ به محضرمدار خاتمی با تبختری ظفرمندانه طرفین را به رعایت قانون حواله داد. مجلس هم که از برادران قوه قضاییه اش "قانون گرایان" را

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## انترناسیونال هفتگی پاسخ میدهد

### احزاب سیاسی و راه حل های آنها برای جامعه ایران

#### ۲- چگونه رعایت حقوق و آزادیهای مردم تضمین میشود؟



فاتح بهرامی

نه تنها در حکومت‌های مستبد و ارتجاعی نظیر رژیم‌های سلطنتی پهلوی و جمهوری اسلامی، بلکه حتی در کلیه حکومت‌های پیشرفته تر بورژوازی نیز مکانیزمی وجود ندارد که بتوان از طریق آن جلو سلب آزادی مردم و تحمیل بی حقوقی به آنان را گرفت. تنها وسیله ای که از طریق آن میشود به این نوع حکومتها افسار زد، مبارزات مردم است، بهمین دلیل مبارزه برای بهتر کردن وضعیت اقتصادی یا حقوق سیاسی و اجتماعی جزئی از زندگی مردم در این جوامع میشود. از اینرو در شرایطی که جامعه در آستانه تحولات سیاسی قرار میگردد، توجه مردم به احزاب سیاسی و برنامه و روشهای آنها برای حکومت کردن بیشتر میشود. بنابراین توجه به این نکته مهم است که چگونه و در چه نوع حکومتی و با چه ساختار سیاسی میتوان امیدوار بود که حقوق مردم لگدمال نمیشود، آزادیشان سلب نمیشود، و برای سیر کردن شکم و گرفتن دستمزد یا برخوردار بودن از حقوق مدنی و آزادیهای سیاسی لازم نباشد هر روز دست بگیران پاسبان و پاسدار شد. در کلی ترین سطح فقط وقتی میتوان از تضمین حقوق و آزادی مردم حرف زد که ابزار تضمین کننده وجود داشته باشد، یعنی اینکه مردم بتوانند اراده شان را اعمال کنند و کسی نتواند آنها را محدود کند و خلاصه اینکه ساختار حکومتی باید طوری باشد که مردم امکان پیاده کردن تصمیم جمعی شان را داشته باشند. چگونه؟ اکثر سازمانها و احزاب اپوزیسیون جمهوری اسلامی حرفشان "مردمسالاری" و حکومت دمکراتیک است. تازه اینها به یمین وجود یک حکومت آزادی کش و انسان ستیز مانند جمهوری اسلامی به انترناتیو خود یعنی "مردمسالاری" افتخار هم میکنند و گویا بر سر مردم منت هم باید بگارند. گشته از اینکه مردمسالاری حتی ورد زبان خاتمی و بخشی از حکومت اسلامی

هم هست، اما منظور بهترین هایشان اینست که مثلاً "ولی مطلقه فقیه" ندارند و رئیس جمهور هر چهار سال یکبار آزادانه انتخاب میشود و نمایندگان مجلس هم بدون اینکه فیلتری مانند شورای نگهبان و نظارت استصوابی روی سرشان باشد آزادانه توسط مردم انتخاب میشوند. بعد از انتخابات هم کافی است مردم منتظر باشند که آزادی و برابری و حرمت و رفاه توسط حاکمان دمکرات و مردمسالار به خانه هایشان روانه شود! این نوع حکومت، یعنی دمکراسی، در خیلی از کشورهای جهان برقرار است. لازم نیست درباره تناقض این دمکراسی با حقوق و آزادی مردم زیاد استدلال کرد، فقط کافی است به بهترین دمکراسی های دنیا، مثلاً کشورهای اروپای غربی که سر و وضع مردم آنها به نسبت بقیه دنیا کمی بهتر است، نگاه کرد. از فقر و بی مسکنی و نابرابری تا بی حقوقی و بی حرمتی و تبعیض در این جوامع هم بوفور یافت میشود. دست مردم هم بجائی بند نیست، حتی خیلی از مردم این کشورها رغبتی به انتخاب نماینده پارلمان و رئیس جمهورشان ندارند چون میدانند و بارها تجربه کرده اند که کاندیداهائی که باید به آنها رای بدهند فرق زیادی نمیکند. و مهمتر اینکه بعد از پایان انتخابات مردم به خانه شان باید بروند و دخالتی در سرنوشت خود و تغییر قوانین بنفع خود نمیتوانند بکنند، و کسی حرف آنها را قرار نیست گوش بدهد. ظاهراً انتخاب شدگان نماینده مردم هستند و هر کاری که خواستند میکنند. این یعنی دمکراسی. (جزوه "دمکراسی: تعابیر و واقعیات"، مصاحبه نشریه انترناسیونال با منصور حکمت، یک منبع ارزشمند و بررسی همه جانبه ای درباره بحث دمکراسی است. این جزوه در سایت حزب کمونیست کارگری موجود است) تازه آنچه که مختصر اشاره کردم مربوط به دمکراسی های غربی است. در جایی مانند ایران لفظ مردمسالاری حتی میتواند تا

اول کار است یا آخر کار؟ اظهارات کروی در یک مصاحبه مطبوعاتی (ایرنا چهارشنبه ۱۲ دی) اوضاع کنونی جمهوری اسلامی را با وضوح تصویر می کند: کروی میگوید که به توافق در جلسه سران سه قوه و آزادی لقمانیان و لغو حکم زندان دو نماینده دیگر مجلس امیدوار است. خبرنگاری میپرسد: "ولی همیشه سران قوا یک چیز میگویند و بدنه کار دیگری میکنند؟" کروی جواب میدهد: "مملکت ما همین است!" خبرنگار دیگری سوال میکند: "آیا صحت دارد که امیر عبدالله ولیعهد عربستان خبر دستگیری لقمانیان را به شما داد؟" کروی: "خبر. صحت ندارد. ولی امیر عبدالله مدام میگفت که از اوضاع ایران و اختلافات موجود در ایران احساس نگرانی میکند!" نگرانی های امیر قابل فهم است. سرنوختی جمهوری اسلامی توسط مردم ایران تمام منطقه را به لرزه در خواهد آورد و بنوبه خود صحنه سیاسی دنیا را تغییر خواهد داد. الگوهای جدیدی متکی بر رهایی از اسلام سیاسی و حکومت محبی، و رعایت حرمت انسان و تحقق آزادی و برابری را به تمامی محرومان و آزادیخواهان ارائه خواهد کرد.

شبهی طالبان ایران را تعقیب میکند. اگر حضرات چنین بهم ریخته اند و در کثافات خود غرق میشوند، اساساً محصول این اوضاع است. اکنون کمتر انسان شریفی به آنچه که ما از جمله در کنفرانس برلین بر آن پای فشردیم تردید دارد: جمهوری اسلامی همین است، باید برود. و دارد میرود! اعتراضات کارگری در این چند ماه رشد چشمگیری داشته است. حرکات امید بخشی حکایت از رشد تشکل و اتحاد سراسری کارگران دارد. (آخرین نمونه حرکت متحد کارگران خباز و برخی دیگر اصناف از کارگران خباز سقر است). از در نقاط مختلف کشور در حمایت دانشگاهها خبر میرسد که جنب و جوش دانشجویان علیرغم خفقان و شبه حکومت نظامی روبه گسترش است. چپ و کمونیسم در محیط های دانشجویی و دانش آموزی بیش از پیش مطرح میشود. در سطح شهر و محله اعتراضات گسترش میگیرد، روسری ها بالاتر میرود و رژیم قدرت ارعاب و ترور خود را در دست میدهد. وقت متحد شدن کارگران در سطح سراسری و طبقاتی است. وقت برپایی مجامع عمومی و ایجاد شوراهای واقعی کارگری است. وقت آنست که کارگران صنعت و نفت و توانیر و ذوب آهن به میدان بیایند. وقت مبارزه برای افزایش دستمزدها و بیمه بیکاری است. وقت از سر گرفتن روسری و برپایی جنبش لغو حجاب اجباری است. وقت گسترش مبارزه برای آزادی همه زندانیان سیاسی است. وقت مبارزه با تمام مظاهر حکومت محبی و دفاع از حقوق مدنی و فردی است. وقت متحد شدن و متحد کردن، وقت پیوستن به صفوف حزب کمونیست کارگری است.

شوراهای مردمی آنچه پیش میروند اراده جمعی است. و روشن است اراده مردم علیه خودشان بکار نمیروند. نیازی به سرکوب کسی نیست و نهاد سرکوبگر ضرورتی ندارد. همانطور که قبلاً اشاره کردم، حکومت شورائی آن رونیای سیاسی متناسب با ساختار اقتصادی ای است که کار مزدوری در آن وجود ندارد و نقطه عزیمت آن انسان و هدفش تعالی و خوشبختی انسانها است و طبیعی است که مکانیزم آن به بسط آزادی و حقوق انسانها خدمت کند. ادامه دارد.

قابل عزل هستند. و این یک تفاوت مهم و اساسی است که در هیچ نوع ساختار سیاسی دیگر وجود ندارد و همین تضمین کننده دوام و ثبات حقوق و آزادی مردم است. در سیستم دمکراسی نماینده برای چهار سال انتخاب میشود و کسانی که وی را انتخاب کرده اند تا چهار سال دیگر هیچگونه اختیاری برای تعویض وی ندارند. در سیستم شورائی اما چنین نیست، اگر نماینده ای وظیفه نمایندگی خود را درست انجام ندهد ممکن است شورا یکی دیگر را بجای وی به نمایندگی انتخاب کند. بنابراین در حکومت

اما، حزب کمونیست کارگری ایران، خواهان حاکمیت شوراهای مردمی هستیم. حکومت شورائی تنها ساختار سیاسی است که میتواند تضمین کننده رعایت حقوق و آزادیهای مردم باشد. دلیل بسادگی اینست که مکانیزم این نوع حاکمیت، شوراهای مردمی، طوری است که کسی نمیتواند حقوق مردم را زیر پا بگارد و آزادی آنها را سلب کند. مردم در هر محله و محیط کار و شهر و استان جمعی تصمیم میگیرند و خود آنرا اجرا میکنند. کسانی که بعنوان نماینده این شوراها انتخاب میشوند هر وقت و بهر دلیل که اکثریت اعضای آن شورا اراده کنند،

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت  
[www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)  
[www.wpibriefing.com](http://www.wpibriefing.com)  
[www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)  
[www.hambastegi.org](http://www.hambastegi.org)  
[www.childrenfirstinternational.org](http://www.childrenfirstinternational.org)  
[www.jawanan.org](http://www.jawanan.org)  
[www.iwsolidarity.com](http://www.iwsolidarity.com)  
[www.medusa2000.com](http://www.medusa2000.com)  
[www.marxsociety.com](http://www.marxsociety.com)  
[www.kvwpiran.org](http://www.kvwpiran.org)

Bank Account:  
 Z.I. Konto:  
 520 5164 008  
 BLZ: 10090000  
 Beliner Volksbank  
 Germany

Website:  
[www.haftegi.com](http://www.haftegi.com)  
 Email:  
[haftegi@yahoo.com](mailto:haftegi@yahoo.com)  
 Fax: 0044-8701207768

Address:  
 BM Box 8927  
 London  
 WC1N 3XX  
 England